

اب دهنشو بزور قورت داد:

_محررم میشی؟

رفتم جلوتر و بوسه ای روی چونش زدم و لبموگاز گرفتم و با عشوه نگاهش کردم:

_بشم؟

از شدت هوس فکش میلرزید و چشماش خمار و سنگین شده بود.

_ از من میپرسی؟ من که بدون محرم شدن هم میتونم ترتیبت و بدم جوری که نتونی راه بری فقط حوصله ی نق نق وگریه های بعد از خوابیدن سالارم و ندارم!

با تعجب و خنده گفتم:

_خیلی بیتربیتی!

لبخند کجی زد همونطور که خیره به سینه های گرم که نوکشون برجسته شده بود لب زد:

_چیکار کنم؟ بخونم صیغه رو؟

از قصد جوری تکون خوردم که سین_ه هام به تنش و بدنم به برجستگیش که داشت میترکید بخوره و یهو وحشیانه فکم و گرفت توی دستش:

_دیوونم نکن آيسان دیوونم نکن پدرسگ، جوری میکنمت که صدای زجه هات به گوش خدمتکارا برسه.

با عشوه خندیدم:

_اول باید صیغم کنی!

لبام و نزدیک لباش بردم و با حالت داغی نفس کشیدم:

_محرمت میشم شاهرخ معین!

از شدت هیجان نفس عمیقی کشید با دستای لرزون گوشیش و گرفت و تند تند یه چیز ی زد و شروع کرد به خوندن متن:

_«زَوَّجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ، عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ»

خیره شد بهم و من زل زدم به یقه ی تیشرتش:

_قبلت!



کاربر گرامی جهت اطلاع از زمان پارت بعدی این رمان و دسترسی راحت تر به

پارت های جدید لطفا در کانال و پیج اینستاگرام ما عضو شوید :

جهت عضویت در کانال تلگرامی و اینستاگرامی ما روی عکس زیر کلیک کنید

(برای عضوین در کانال تلگرامی فیلتر شکن را روشن کنید سپس کلیک کنید)

عضویت در کانال تلگرامی رمان پلاس

اطلاع از زمان دقیق آپدیت ها / دسترسی سریعتر به پارت های جدید / اخبار سایت و..



عضویت در پیج اینستاگرام فایل استار

اطلاع از تیزر رمان های برتر / اخبار دنیای رمان / دسترسی به نویسنده رمان ها

